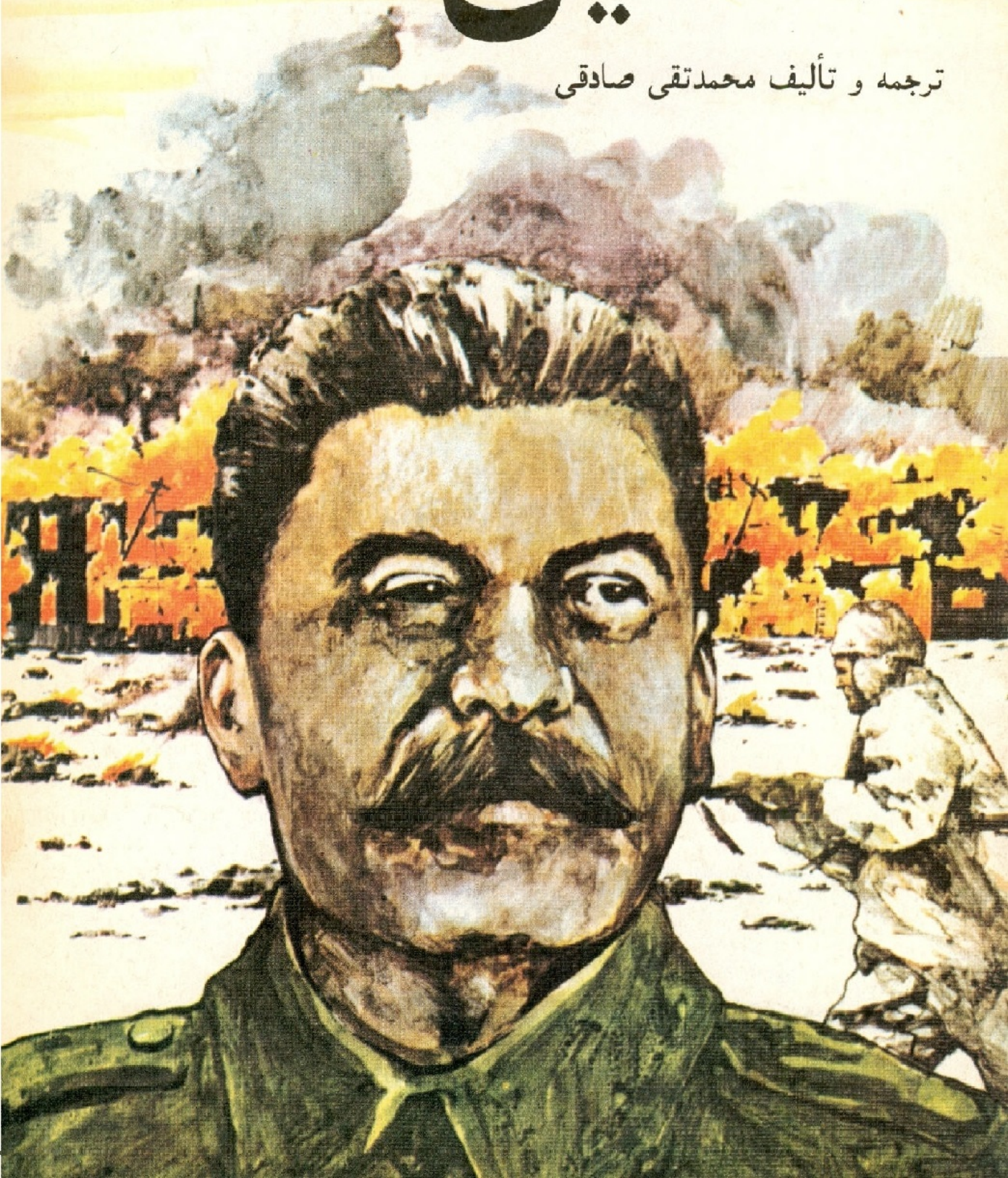


مجموعه تاریخ برای نوجوانان (۴۵)

# استالین

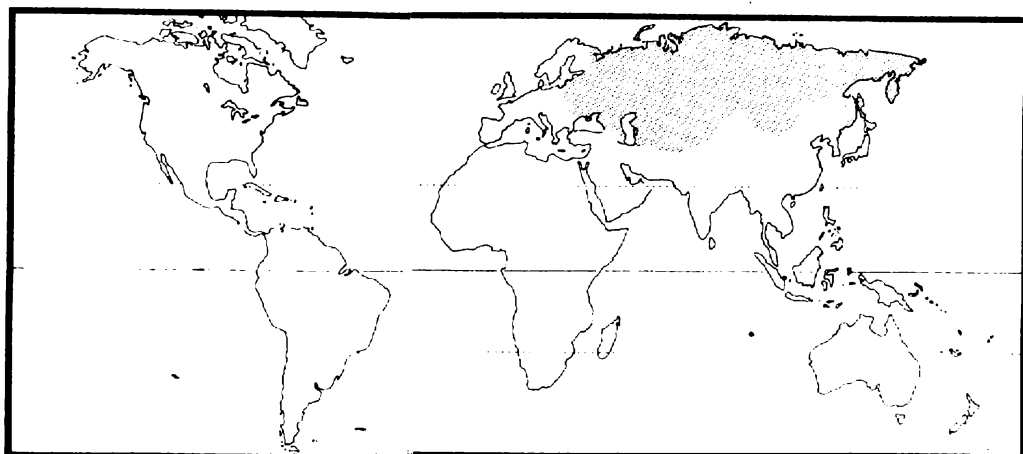
ترجمه و تألیف محمدتقی صادقی



مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان (۴۵)

# استالین

ترجمه و تألیف محمدتقی صادقی



زنگنه‌هاست ماریار

تهران، ۱۳۶۰

یوسف ویسارنووویچ استالین (که نام اصلی‌اش جوگاشویلی بود)، روز ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در شهر گوری، در گرجستان شوروی، از مادری دهقانزاده به نام کاترین گئورگیونا زاده شد. پدرش ویساریون ایوانوویچ، کارگر کارخانه کفاشی بود. زندگی استالین پس از ورود به مدرسه دینی در تفلیس و گذراندن دوره ابتدائی و پانهادن به دبیرستان علوم دینی در سال ۱۸۹۴ با رویدادها و دگرگونیهای تاریخساز خلق‌های امپراتوری روسیه، که آرام آرام برای ایجاد آینده‌ئی بهتر و تهی از هر گونه ستم و استثمار به پا می‌خاستند، جوش خورد.

در این کتاب، به اختصار، با پیشرفت‌های جامعه شوروی پس از مرگ لنین تا ۱۹۵۳ آشنا خواهیم شد و در ضمن آن به جنبه‌های گوناگون شخصیت استالین و راستی‌ها و ناراستی‌های کردارش در یکی از پر اهمیت‌ترین دوران‌های تاریخ شوروی که سال‌های جنگ دوم جهانی را در برمی‌گیرد نیز خواهیم پرداخت.

## ریشه‌های انقلاب

استالین پس از ورود به دبیرستان علوم دینی، به علت تماس گرفتن با گروه‌های انقلابی چپ و سرپیچی از اجرای دستورهای خشک مقامات مدرسه، در سال ۱۸۹۹ از دبیرستان اخراج شد و سپس به عنوان دیده‌بان محاسب در رصدخانه فیزیک شهر تفلیس به کار پرداخت. اما چرا استالین در دبیرستان علوم دینی با عقاید چپ آشنا شد؟ در سی سال پایانی سده نوزدهم، سرمایه‌داری در ماوراء قفقاز سریعاً رشد کرد و بر شدت استثمار

کارگران و دهقانان افزود. همزمان با رشد صنعت و کشاورزی، طبقه کارگر نیز در این سرزمین، بخصوص در شهر نفت‌خیز باکو، به میدان مبارزات طبقاتی پا نهاد. بیش‌تر مارکسیست‌های تبعیدی روس در ماوراء قفقاز در سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۹ تبلیغات مارکسیستی گسترده‌ئی را آغاز کردند و مدرسه علوم دینی تفلیس نیز به کانون انتشار عقاید آزادیخواهانه، اعم از ناسیونالیستی و نارودنیک (خلقی) یا مارکسیستی در میان جوانان تبدیل شده بود. در همان سال‌ها بود که استالین نخست به محافل مارکسیستی و سپس به حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه پیوست. پس از انشعاب این حزب (سال ۱۹۰۳) به دو جناح بلشویک‌ها (اکثریت) و منشویک‌ها (اقلیت)، استالین به بلشویک‌ها پیوست و دامنه فعالیت‌هایش را در زمینه انتشار روزنامه مخفی بردوزلا (مبارزه) در گرجستان و سازماندهی اعتراضات و تظاهرات و اعتراضات، گسترش داد. پلیس تزاری در ۲۱ مارس ۱۹۰۱ رصدخانه فیزیک تفلیس را که محل کار و زندگی استالین بود بازرسی کرد، و بلافاصله پس از آن، دستور توقیف استالین صادر شد. استالین از آن سال تا انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در شرایط بسیار دشواری، مخفی شد و به عنوان انقلابی حرفه‌ئی، به فعالیت‌هایش ادامه داد. اما در این فاصله، بارها بازداشت و به تبعید و زندان محکوم شد ولی از بیش‌تر تبعیدگاه‌ها گریخت. اما از آخرین تبعیدگاهش نتوانست بگریزد و همچون بسیاری از زندانیان، با قیام مردم آزاد شد و به انقلاب پیوست.

## نظام سوسیالیستی اتحاد شوروی

شب ۲۵-۲۶ اکتبر ۱۹۱۷، ساعت‌ها



نمایندگان در جلسه افتتاحیه شورای عالی اتحاد شوروی در ژانویه ۱۹۲۸

آن اثری از استثمارگران و استثمارشوندگان، ستمگران و ستمدیدگان نباشد گام برداشت. این نظام اجتماعی را در يك کلام، کمونیسم می‌نامیم. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، کشورهای سرمایه‌داری، شوروی را محاصره اقتصادی و سیاسی کردند. لنین برنامه تجدید ساختمان و تقویت صنایع و کشاورزی و گسترش شبکه برق به سراسر شوروی را تدوین کرد. تمام صنایع بزرگ ملی شد. دولت شوروی پس از پشت سر گذاشتن دوران‌های دشوار و جنگ‌های سهمگین داخلی با نیروهای ارتجاع و ارتش‌های کشورهای امپریالیستی که نخستین دولت کارگری جهان را در معرض تهاجم قرار داده بودند، به رهبری حزب کمونیست و با برخورداری از دلاوری‌های کارگران، دهقانان، قزاق‌های فقیر، دسته‌های کارگران گارد سرخ و خلاصه همه مردم، توانست همه کانون‌های ضدانقلاب

پیش از سپیده دم، کارگران و سربازان و ملوانان به رهبری حزب بلشویک، به اقامتگاه پیشین امپراتوران روسیه در پتروگراد (لنینگراد کنونی) یورش بردند و پس از تسخیر کاخ زمستانی، اعضای حکومت موقت را که دستجمعی در یکی از اتاق‌های آن پنهان شده بودند دستگیر کردند.

سه ساعت بعد، دومین کنگره سراسری نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان، تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی در روسیه را اعلام کرد. قدرت دولت به دست مردم افتاد و طبقه کارگر که تهی‌دست‌ترین و استثمارشده‌ترین و در همان حال، انقلابی‌ترین و سازمان یافته‌ترین طبقه اجتماع روسیه بود زمام امور حکومت را به دست گرفت.

انقلاب سوسیالیستی در روسیه پیروز شد و از آن پس در راه رسیدن به هدفی والا و تاریخی یعنی ساختن جامعه‌ئی نوین که در



تروتسکی در سال ۱۹۲۵ برای سربازان ارتش سرخ سخنرانی می‌کند

لنین به علت زخم‌های شدیدی که در اثر اصابت دو گلولهٔ سمی در اوت ۱۹۱۸ برداشته بود، از سال ۱۹۲۲ به بعد بیمار شد و نتوانست مرتباً به کارهایش ادامه دهد؛ و چون می‌دانست بیماری‌اش در هر لحظه‌نی ممکن است به مرگش منجر شود به محض احساس مختصر بهبودی در خودش، در اواخر ۱۹۲۲ و اوائل ۱۹۲۳ چندین نامه و مقاله را دیکته کرد. در این نامه‌ها علاوه بر اشاره به شخصیت و روحیات استالین که از سال ۱۹۲۲ به دبیرکلی کمیته مرکزی حزب کمونیست برگزیده شده بود، مسائل ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را مرور و جمع‌بندی ورنوس و وظائف آتی را مشخص کرد (س ۱)\*.

را در هم کوبید و اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی را تشکیل دهد. این پیروزی تاریخساز شوروی در جنگ داخلی سه ساله علیه ارتش‌های بیگانه و ضدانقلاب نشان داد که مردمی که آزادی خود را به دست می‌آورند از عهدهٔ شکست دادن دشمنان نیز برمی‌آیند. این پیروزی بدان سبب میسر شد که کارگران و دهقانان روسیه به دفاع از قدرت شوروی خودشان یعنی به دفاع از حق آزاد و مستقل زیستن خودشان برخاسته بودند. آن‌ها بدین سبب پیروز شدند که به هم پیوسته بودند و وحدتی نیرومند و پایدار پدید آورده بودند و دفترسیاسی حزب کمونیست به رهبری لنین، کوشش‌های آنان را هدایت می‌کرد.

\* س به معنی سند و اشاره است به اسناد پایان کتاب.

لنین روز ۲۴ ژانویه ۱۹۲۴، چشم از جهان فرو بست. تاریخ جنبش بزرگ رهایی‌بخش زحمتکشان از مارکس به بعد هرگز شخصیتی به عظمت این رهبر و آموزگار و دوست ستم‌دیدگان به خود ندیده بود. همه بزرگی‌ها و قهرمانی‌های انسان زحمتکش - اندیشه‌نی بی‌مهابا، اراده آهنین، نرمش‌ناپذیر و پایدار و قادر به رفع همه موانع، نفرتی آتشین و بی‌پایان از بردگی و ستم، شوری انقلابی که می‌تواند کوه‌ها را از جا برکند، ایمان بی‌کران به نیروهای خلاق توده‌های مردم و نبوغ در سازماندهی کارها، در شخصیت لنین گرد آمده بود.

استالین کمک‌های چشمگیری به اجرای سیاست حزب در زمینه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی کرد و در اثر مبارزات بی‌امان علیه گروه‌های ضدلنینی تروتسکیست‌ها و بوخارینیست‌ها محبوبیت فراوانی در میان مردم به دست آورد. اما از نخستین سال‌های دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ تمام دستاوردهای خلق شوروی در زمینه ساختمان سوسیالیسم، به استالین نسبت داده می‌شود. استالین در نخستین سال‌های پس از مرگ لنین به نظرات انتقادی وی در باره خودش توجه کرد. اما با گذشت زمان، بارها و بارها از مقام دبیرکلی کمیته مرکزی حزب سوء استفاده کرد و اصل رهبری دستجمعی را زیر پا گذاشت و به تصمیم‌گیری مستقلانه در مسائل مهم حزبی و دولتی پرداخت. سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹، در اثر رواج کیش پرستش شخصیت استالین، که با اصول دموکراسی سوسیالیستی مغایرت داشت، دوران تجاوز آشکار به دموکراسی حزبی و شورائی و قوانین سوسیالیستی بود. کیش پرستش شخصیت گرچه صدماتی

هنرهای گوناگون مانند موسیقی، نقاشی، فیلم‌سازی، نویسندگی، تئاتر، بیکرتراشی و مانند اینها به‌ویژه در سالهای پیش از جنگ دوم جهانی، به‌عالی‌ترین مراحل تکامل خود رسیدند. خانم موخینا مجسمه معروف و جاودانی «کارگر و دختری از مزرعه تعاونی» را برای نمایش در نمایشگاه بین‌المللی پاریس در سال ۱۹۳۷ ساخت. این مجسمه که از فولاد ضدزنگ ساخته شده است، اتحاد ناگسستی طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش را نشان می‌دهد

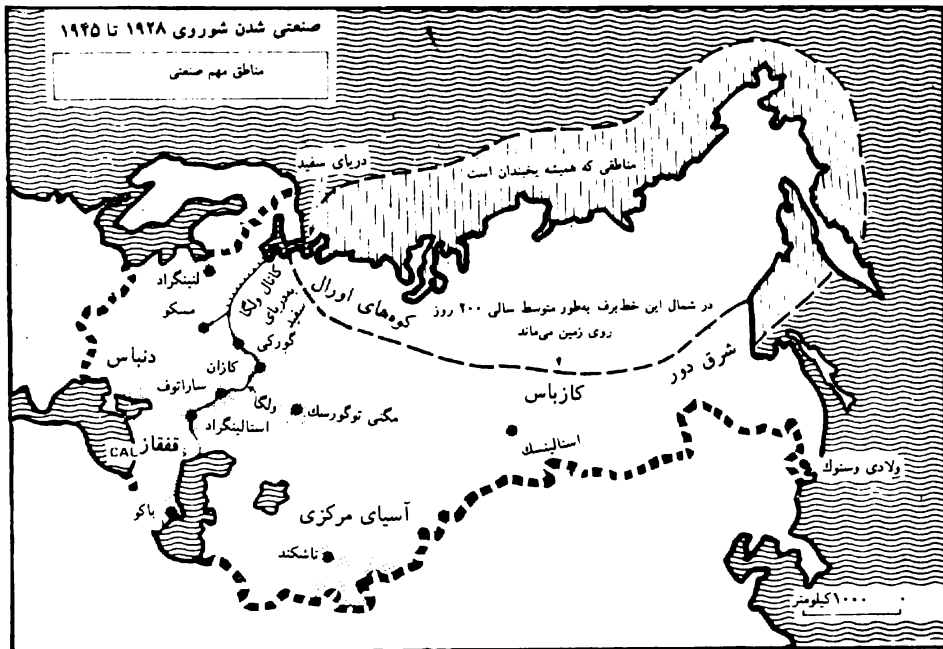
به‌جامعه شوروی زد، ولی نتوانست ماهیت نظام سوسیالیستی یا فعالیت‌های حزب و توده‌های مردم را در جهت سازندگی سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد شوروی تغییر دهد. زیرا مارکسیسم - لنینیسم معتقد است که مردم، سازندگان واقعی تاریخند و همه ارزش‌های مادی و معنوی را می‌آفرینند.

### برنامه صنعتی کردن کشور

استالین، همچون لنین، بر پیشبرد و

تبدیل کشور به یک قدرت بزرگ صنعتی و قادر به تهیه تجهیزات جدید برای شاخه‌های گوناگون اقتصاد ملی و تأمین استقلال اقتصادی و توانائی دفاعی کشور تأکید می‌کرد. زیرا او این دگرگونی‌ها را از لحاظ اقتصادی، شرط ضرور پیروزی و ساختمان سوسیالیسم در یک کشور (س ۲) می‌دانست. او به‌ویژه بر پیشبرد صنایع سنگین، تولید وسائل تولیدی و گسترش شبکه برق به سراسر کشور تأکید می‌کرد. البته پس از مرگ لنین، بحث‌های تنیدی درباره سیاست‌های اقتصادی شوروی در میان رهبران حزبی در گرفت. تروتسکیست‌هایی مانند سوکولنیکوف، زینوویف و کامنف معتقد بودند که اتحاد شوروی می‌بایست به صورت کشوری کشاورزی بماند و مواد خام و خواربار تولید و به کشورهای دیگر صادر کند و در برابر آن، ماشین‌آلاتی را که نمی‌تواند تولید کند از آن‌ها بخرد. در آن زمان، این نقشه به معنای وابسته کردن شوروی به کشورهای سرمایه‌داری و بر باد دادن ثمرات انقلاب بود. استالین می‌خواست همه راه‌های

بازگشت سرمایه‌داری به کشور را ببندد. از چشمگیرترین جنبه‌های اقتصاد سوسیالیستی، رشد همه شاخه‌های صنعت و کشاورزی بر طبق برنامه‌هایی است که در شوروی، «برنامه پنجساله» نامیده می‌شود. در سوسیالیسم، همه کارخانه‌ها و مزرعه‌ها به مردم تعلق دارد و دولت به نمایندگی از مردم، برنامه رشد منظم آن‌ها را با تکیه بر مالکیت اجتماعی وسائل تولید و نیازهای رشد یابنده مادی و معنوی مردم تهیه می‌کند. در نظام سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی و استثمار فرد از فرد، از اصول مقدس جامعه است که باتکیه بر ارتش، پلیس و دستگاه‌های مخوف پلیس سیاسی از آن نگهداری می‌شود و به همین علت است که در این کشورها اختلافات فاحش طبقاتی، فقر، فساد، فحشا، بیکاری، بیسوادی و بیماری‌های گوناگون، همواره مردم را تهدید می‌کند و امکان برخورداری از رفاه و تعالی فرهنگی را از میلیون‌ها انسان زحمتکش می‌گیرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی، پس از به دست آوردن قدرت سیاسی، تنظیم و اجرای برنامه‌های



پنجساله را ضامن رهایی مردم شوروی از مصائب فوق دانست و تا امروز در این راه به پیروزی‌های اجتماعی چشمگیری رسیده است.

صنعتی شدن، چنان اهمیتی برای شوروی داشت که لنین در سال ۱۹۱۷ نوشت: «... یا هلاک می‌شویم یا از لحاظ اقتصادی سبقت می‌گیریم و از کشورهای پیشرفته نیز جلو می‌افتیم». لنین و استالین همواره تأکید می‌کردند که اگر شوروی صنایع بزرگ بسیار پیشرفته، به‌ویژه صنایع سنگین، را ایجاد نکند و نقشه گسترش شبکه برق به سراسر کشور را به اجرا در نیاورد مطمئناً به عنوان یک کشور مستقل به هلاکت خواهد رسید و دیگر جایی برای صحبت از دست‌یابی به سوسیالیسم باقی نخواهد ماند. اتحاد شوروی برای صنعتی کردن کشور، دو مشکل داشت: یکی پیدا کردن بودجه بی‌پایان برای اجرای این کار در داخل کشور، و دیگری آن بود که برنامه صنعتی شدن کشور می‌بایست در مدتی نسبتاً کوتاه اجرا شود زیرا آرامشی که در اثر صلح پدید آمده بود هر آن ممکن بود توسط دشمنان نظام سوسیالیستی از میان برود. حزب کمونیست، داوطلبانه و علناً این مشکلات را برای مردم تشریح کرد و در همان حال، راه غلبه بر آن‌ها را نیز نشان داد.

ساختمان صنایع بر طبق برنامه‌های دقیق سالانه و برنامه‌های بلندمدت پیش می‌رفت (س ۳). در سال ۱۹۲۹ نخستین برنامه پنجساله برای رشد اقتصاد ملی شوروی تصویب شد. این برنامه واقعاً غول‌آسا بود: کل سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در آن ۲/۵ برابر دوره پنجساله پیشین بود و سرمایه‌گذاری در صنایع، چهار برابر

رقم مشابه در همان دوره بود. با این حال، دومین برنامه پنجساله (۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷) از این نیز بزرگ‌تر بود. زیرا کل سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در آن در مقایسه با مبلغ ۵۰,۵۰۰ میلیون روبل سرمایه‌گذاری شده در نخستین برنامه، به ۱۳۳,۴۰۰ میلیون روبل می‌رسید. اما در سرمین برنامه پنجساله (۱۹۳۸ تا ۱۹۴۲)، رقم کل سرمایه‌گذاری شده، از دو برنامه اول و دوم بر روی هم، فزون‌تر شد. جریان صنعتی شدن کشور، از هر لحاظ، توسط حزب کمونیست و دولت شوروی رهبری می‌شد؛ حزب و دولتی که مشکلات، کمبودها و اشتباهات اجتناب‌ناپذیر در چنین کار پر دامنه‌ئی را ردیابی و شناسائی می‌کردند، کارگران و تکنیسین‌ها را برای رفع آن‌ها تجهیز می‌کردند، منابع مالی اضافی برای تأمین بودجه ساختمان صنایع کشور می‌یافتند، آموزش سریع کارگران متخصص و کادرهای فنی و غیره را گسترش می‌دادند. نخستین نتایج صنعتی کردن سوسیالیستی کشور پس از دو سال کار شدید ظاهر شد. کارخانه‌های کهنه با ماشین‌آلات نو تجهیز شد و کارخانه‌های جدید احداث گردید از جمله کارخانه ماشین‌سازی سنگین اورال، مجتمع‌های شیمیائی بربوزنیکوفسک و سولیکامسک، مجتمع ذوب آهن ماگنیتوگورسک، کارخانه‌های هواپیماسازی و موتورسازی در مسکو و لنینگراد، کارخانه اتومبیل‌سازی در مسکو، تراکتورسازی دزرنسکی و کارخانه‌های بزرگ تولید ماشین‌های کشاورزی در رستوف و زاپوروژه ساخته شدند. در جمهوری‌های دیگر، از جمله در قزاقستان (مجتمع ذوب فلزات رنگین و کارخانه سرب)، در تاشکند پایتخت



## صنعتی شدن و مسأله دهقانی

صنایع شوروی در اثر جنگ تقریباً نابود شده بود. ماشین آلات و مهارت‌های فنی جدید و پول فراوانی برای بازسازی و پخش صنایع به سراسر کشور لازم بود. هیچ کشور خارجی به شوروی کمک نکرد. اتحاد شوروی ناگزیر بود که فقط با کمک توده‌های میلیونی زحمتکش، کارخانه‌ها را به راه بیاورد، معادن را کشف و استخراج کند و راه‌های آهن را توسعه دهد. اجرای این برنامه‌ها به کوشش زیاد و فداکاری بی‌سابقه‌نی نیاز داشت. از آن جا که اکثریت مردم شوروی را دهقانانی تشکیل می‌دادند که روی زمین کار می‌کردند، بار سنگین صنعتی شدن کشور نیز بیش از همه بر دوش آنان افتاد.

در سال‌های انقلاب، دهقانان زمین‌ها را به نفع خود تصاحب کرده بودند. و در

ازبکستان و عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان (کارخانه‌های بافندگی و مؤسسات مشابه) نیز جریان صنعتی شدن آغاز شد.

دامنه شگرف ایجاد صنایع و قهرمانی طبقه کارگر و فداکاری‌ها و گذشت‌های بی‌مانند خلق شوروی در راه تأمین هزینه‌های صنعتی کردن کشور، تأثیر ژرفی بر دهقانان زحمتکش گذارد. دهقانان می‌دیدند که حزب، دولت و کارگران، مشکلات را از سر راه برمی‌دارند و انواع تراکتور و ماشین‌های جدید کشاورزی برای افزایش تولید کشاورزی می‌سازند. چندین هیأت نمایندگی از جانب دهقانان به کارخانه‌ها و ساختمان‌های جدید رفتند، در اجتماعات کارگران شرکت کردند و از شور و شوق آن‌ها الهام گرفتند. نمایندگان پیشرو دهقانان زحمتکش پس از بازگشت به روستاها در ایجاد کلخوزهای جدید پیشگام می‌شدند.

کارگران زن در مزرعه تعاونی استالین واقع در خرسون در اوکراین در سال ۱۹۴۶





در فاصله سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷ بیش از بیست هزار مدرسه - یعنی برابر با تمام مدرسه‌هایی که در دوران ۲۰۰ ساله حکومت تزارها ساخته شده بود - در شوروی ساخته شد. کلاسی در یکی از مدارس جدید که برای مبارزه با بیسوادی در ازبکستان برای زنان ساخته شده بود. فعالیت این مدارس به‌ریشه‌کن شدن بیسوادی در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۳۹ منجر شد

يك کشور، با احتیاط و به آرامی ساخته شود؛ زیرا شتاب در کار، مشکلات و ناپایداری‌هایی را به دنبال خواهد آورد. بحث‌های مربوط به پیشبرد اقتصاد شوروی، نقطه عطف مهمی در تاریخ جهان به‌شمار می‌رود. نخستین بار در تاریخ جهان، در يك کشور بزرگ صنعتی، سیاستمداران و اقتصاددانان و متخصصان درباره چگونگی برنامه‌ریزی و توسعه اقتصاد کشور خودشان به بحث و گفت‌وگو پرداختند. در سال‌های پس از جنگ دوم، تأثیر مثبت اتحاد شوروی باعث شد که در کشورهای سرمایه‌داری نیز به اهمیت و عقلانی بودن این روش پی ببرند و برای رشد اقتصادی خودشان برنامه‌ریزی کنند.

سال‌های اجرای سیاست نوین اقتصادی (نپ) برخی از این دهقانان به ثروت زیادی دست یافته بودند و بدشان نمی‌آمد قیمت‌های مواد غذایی را هر روز گران‌تر کنند. آن‌ها به هیچ وجه نمی‌خواستند پولی در راه صنعتی شدن کشور خرج کنند. استالین امیدوار بود که آنان به کمک ملت بشتابند اما برخی از ثروتمندترین آن‌ها که کولاک (یعنی استعمارکنندگان بزرگ) خوانده می‌شدند نه تنها کمکی نکردند بلکه موانع زیادی نیز در راه صنعتی شدن کشور ایجاد کردند. در مورد چگونگی رفتار با کولاک‌ها در حزب بحث‌های فراوانی در گرفت. بعضی‌ها می‌گفتند که با کولاک‌ها باید به ملایمت رفتار کرد تا «سوسیالیسم در

در زمستان ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۸، بسیاری از کولاک‌ها که ثروت فراوانی اندوخته بودند شروع به احتکار غلات کردند و از فروختن آن به دولت و ملت خودداری ورزیدند. غله یکی از اقلام عمده صادرات شوروی بود و فروش آن در خارج، به این کشور کمک می‌کرد که پول ماشین‌آلات و مخارج متخصصان لازم برای ساختن صنایع را فراهم کند. به همین علت، حزب کمونیست به پیشنهاد استالین، روش سختی در برابر کولاک‌ها پیش گرفت. غلات کولاک‌ها مصادره شد و برخی از آن‌ها که رودر روی دولت ایستاده بودند دستگیر شدند. همزمان با این کارها دولت روزبه‌روز تراکتورها و ماشین‌آلات پیش‌تری را در اختیار مناطق روستائی قرار می‌داد. اما تراکتور در نظام مزرعه باز (وقتی مزارع یک مزرعه‌دار با قطعه زمین‌های متعلق به مزرعه‌داران دیگر از

هم جدا می‌شود) نمی‌توانست کاری انجام دهد زیرا برای کار در زمین‌های بی‌مانع و پهناور ساخته شده بود. از سال ۱۹۲۸ تشکیل مزارع دولتی (سوخوز) آغاز شد. در این مزارع علاوه بر تولید غلات، طرز اداره و سازماندهی تولید مکانیزه نیز به کشاورزان آموزش داده می‌شد. هزاران دهقان برای آموختن فنون جدید به مزارع دولتی سرازیر شدند؛ به نحوی که این مزارع مجهز به ماشین‌آلات جدید، کمک بسیاری بزرگی به جنبش تعاونی کردن اقتصاد روستائی کردند. مواردی هم پیش می‌آمد که دهقانان وسائل کافی برای کشت زمین‌هایی که دولت به آن‌ها داده بود در اختیار نداشتند و به همین علت زمین را به کولاک‌ها اجاره می‌دادند. ولی نمایندگان دولت با دهقانان تماس می‌گرفتند و آنان را با اصول کشاورزی

دهقانان برای پیوستن به یک مزرعه تعاونی نام‌نویسی می‌کنند



تجهیزات بخش کشاورزی به‌طور کامل تجدید شد. در سال ۱۹۳۷، مزارع تعاونی از خدمات ۵۸۱۸ ایستگاه ماشین و تراکتور، ۴۵۶,۰۰۰ تراکتور، نزدیک به ۱۲۹,۰۰۰ کمباین، ۱۴۶,۰۰۰ کامیون و بسیاری ماشین‌آلات دیگر استفاده می‌کردند. در اتحاد شوروی، سال‌های پیش از جنگ دوم جهانی، جنبش تعاونی به پیروزی رسید و این کشور را به سرزمین کشاورزی بزرگی تبدیل کرد.

### رفاه اجتماعی

انسان‌هایی که صدها سال در زیر ستم زیسته بودند همواره در آرزوی حکومتی بودند که در آن اثری از ستمگران و ستمکشان، فرادستان و فرودستان، و زنان و مردان و کودکان گرسنه و درمانده نباشد. خلق‌های اتحاد شوروی نخستین انسان‌هایی بودند که توانستند این رؤیا را به واقعیت مبدل کنند. ملاکان و بورژوازی بزرگ، در نخستین سال‌های استقرار قدرت شوروی و در پی مصادرهٔ املاک و ملی شدن کارخانه‌ها از صحنهٔ تاریخ بیرون رفتند. در نخستین سال‌های دههٔ ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ مالکیت سرمایه‌داری بر صنایع و بازرگانی به‌طور کلی از اقتصاد ملی ریشه‌کن شد و اکثریت مالکان، به‌عنوان کارگر به کار پرداختند. طبقهٔ کارگر و دهقان از حالت طبقه‌ئی استثمار شونده در آمدند و با جذب آگاهی‌های سوسیالیستی، به انسان‌هایی آزاد تبدیل شدند که به‌کار همچون ضرورتی حیاتی برای زندگی بشر می‌نگریستند (س ۵).

در چهارمین روز پس از انقلاب اکتبر، نخستین بار در تاریخ جهان، طبقهٔ

بزرگ تعاونی آشنا می‌کردند. پس از آن که چند دهقان حاضر می‌شدند زمین‌شان را یکجا زیر کشت ببرند، آن گاه دولت تراکتور و کمباین در اختیارشان می‌گذاشت و به این طریق یک مزرعهٔ تعاونی تشکیل می‌شد. کولاک‌ها دست از تبلیغات برنداشتند. آن‌ها به دهقانان می‌گفتند: «شما می‌خواهید خودتان را نوکر دیگران کنید، شما احمق‌ها. پذیرفتن این طرز کشاورزی به معنای تن دادن به ارباب - رعیتی است. به محض آن که حدود زمین‌تان برداشته شود، آن را از دست خواهید داد.» آن‌ها به دنبال این تبلیغات، شروع به احتکار غلات کردند و همین باعث شد که در سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ کشور دچار قحطی شود و مرگ و گرسنگی همه جا را فرا گیرد. دولت ناگزیر شد بر سرعت تعاونی کردن کشاورزی بیفزاید و در اثر افزایش محصول غلات در همهٔ مزارع تعاونی، قحطی و گرسنگی را از بین ببرد. دهقانان چندین روستا از ناحیهٔ برزوفکا، منطقهٔ اودسا، پس از آن که نتیجهٔ کشت تعاونی را دیدند، به روزنامهٔ ایزوستیا چنین نوشتند: «با به‌کار گرفتن تراکتور، دیگر مزارع ما کوچک و کم حاصل نخواهد بود و تصمیم گرفته‌ایم یک مزرعهٔ تعاونی تشکیل دهیم به‌طوری که در آن اثری از قطعه زمین‌های خصوصی نباشد.»

در دورهٔ نخستین برنامهٔ پنج‌ساله (س ۴)، ۲۱۰ هزار مزرعه تعاونی با بیش از پانزده میلیون خانوار دهقانی تشکیل شد. از آن پس، گرچه مشکلاتی در کار این مزارع پیش آمد، ولی رشد آگاهی سوسیالیستی دهقانان باعث شده است که آن‌ها بر همهٔ مشکلات غلبه کنند. تا پایان دومین برنامهٔ پنج‌ساله، یعنی پس از گذشت ۱۰ سال،



پس از تصویب برنامه نوسازی شهرها و تأمین خدمات شهری، ساختمان متروی مسکو آغاز شد. در این عکس، کارگران جوان، در سال ۱۹۳۴، کارهای ساختمانی مترو را ادامه می‌دهند

بیکاری، دست یافت. استخدام جوانان کم‌تر از ۱۶ سال ممنوع و نرخ حقوق زنان و مردان برابر شد. صدها هزار خانواده کارگری که پیش از انقلاب در محلات

کارگر به ۸ ساعت کار روزانه، ۶ ساعت برای کارگران زیر ۱۸ سال، مرخصی سالانه با حقوق، تأمین اجتماعی به‌هزینه دولت و کارفرما در صورت بیماری یا

تعداد دانشجویان ۲۲ کشور اروپائی بر روی هم بیش تر بود.

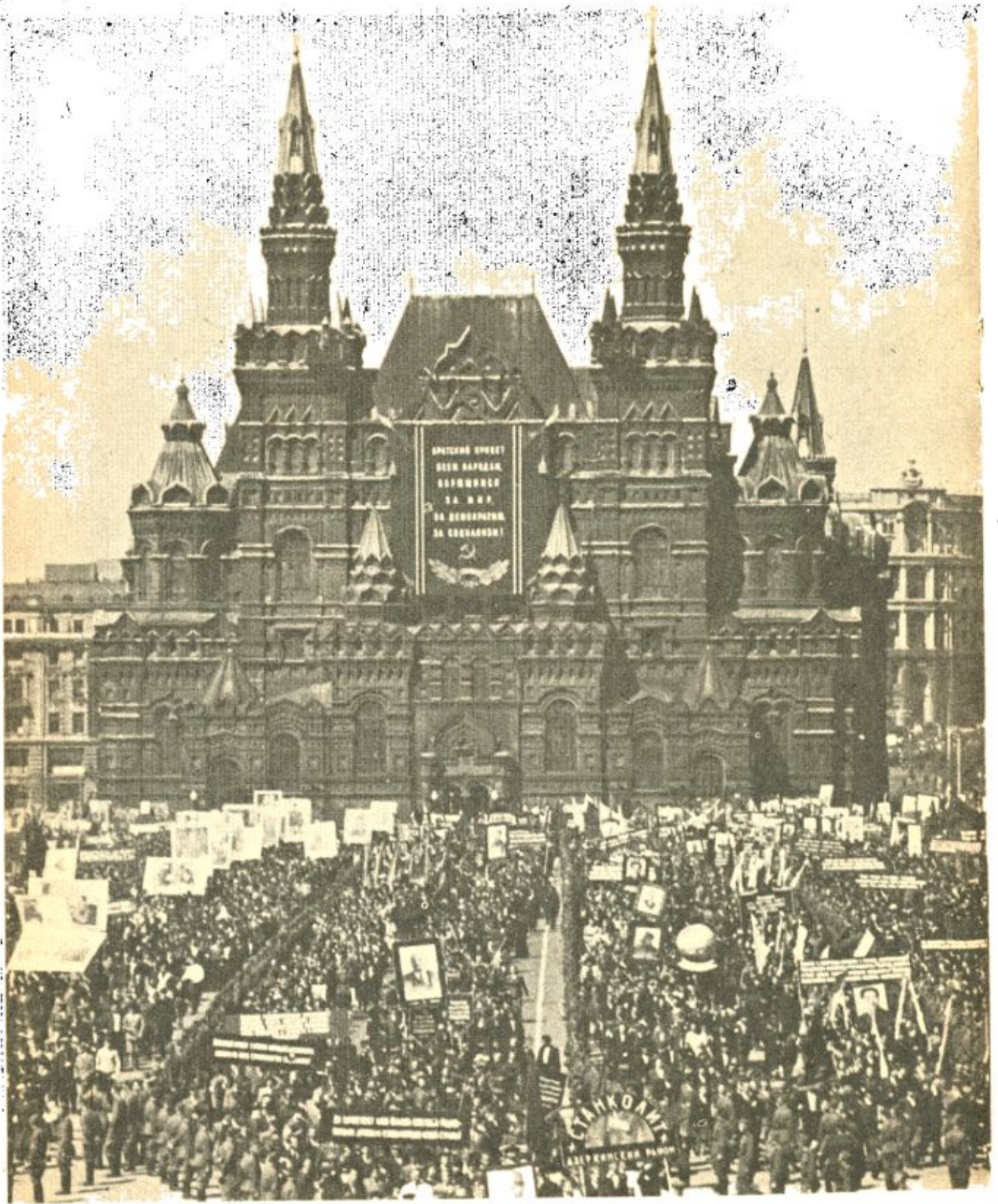
در سال ۱۹۳۱ حزب کمونیست و دولت شوروی تصمیم به بازسازی و اصلاح محیط شهرها گرفتند و این کار را از شهر مسکو آغاز کردند تا نمونه‌ئی برای بازسازی و اصلاح شهرهای دیگر باشد. به موجب برنامه‌ئی که همان سال در حزب به تصویب رسید ساختمان متروی مسکو آغاز شد، نقشه جدید خیابان‌ها و میدان‌ها تهیه شد و مقدمات ساختمان کانال مسکو-ولگا نیز فراهم آمد. از آن پس، فعالیت‌های پرآمنه‌ئی برای بهبود وضع مسکن و خدمات اجتماعی در شهرهای دیگر آغاز شد تا پاسخگوی رشد جمعیت شهرها باشد (س ۶).

### تجارت و اقتصاد جهانی

چون شوروی در جریان ساختمان صنایعش با دشمنی اکثریت کشورهای سرمایه‌داری روبه‌رو بود، آن‌ها از برقراری هر گونه رابطه تجارتنی با آن خودداری می‌کردند. اصولاً اقتصاد شوروی، پس از پیروزی انقلاب، هرگونه وابستگی به بازار سرمایه‌داری را گسسته بود و به همین علت در جریان بحران جهانی سرمایه‌داری در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، اقتصاد شوروی همچنان در راه شکفتگی و ترقیات غول‌آسا گام برمی‌داشت. پس از این بحران، اقتصاددانان غرب، یک بار دیگر بر لزوم بهره‌گیری از تجربیات شوروی در زمینه برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی تأکید کردند. بحران مزبور فقط در ایالات متحد آمریکا ۱۷ میلیون نفر را بیکار کرد. در برابر افزایش فقر و بیکاری طبقه کارگر در

کثیف، زیرزمین‌ها، حلبی‌آبادها و مانند این‌ها زندگی می‌کردند به‌خانه‌های مجهزی که از ملاکان و سرمایه‌داران صادره شده بود انتقال داده شدند. دولت شوروی همه تأسیسات پزشکی، داروخانه‌ها، استراحتگاه‌ها و مانند این‌ها را ملی کرد و خدمات رایگان پزشکی برای عموم مردم تأمین کرد. از سال ۱۹۳۱ تاکنون حتی یک نفر در شوروی بیکار نبوده است. در شوروی توجه خاصی به مراقبت از کودکان و مادران نشان داده می‌شود. شبکه گسترده‌ئی از زایشگاه‌ها و مراکز مادریاری تشکیل شد و به‌رایگان در اختیار مادران و زنان حامله قرار گرفت. به‌همه زنان زحمتکش، چهار ماه مرخصی زایمان با استفاده از حقوق داده می‌شد و در صورتی که مادری صاحب دو یا چند نوزاد می‌شد یا زایمان غیرطبیعی می‌بود، این مرخصی بیش‌تر می‌شد. دولت به مادران خانواده‌های بزرگ کمک هزینه ماهانه می‌داد. شبکه گسترده‌ئی از مهدکودک و کودکستان در سراسر کشور برای کودکان ایجاد شده است.

در پایان سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ بی‌سوادی در سراسر شوروی ریشه‌کن شد. از آن پس، انتشار کتاب‌های گوناگون رونق گرفت و بسیاری از کتاب‌ها در چند میلیون نسخه به چاپ رسید. امروزه عشق به کتاب از خصایل ملت شوروی است. از سال ۱۹۲۰ به بعد، کمیّت و کیفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بهبود یافت. امروزه اتحاد شوروی از لحاظ دامنه و گستردگی تحصیلات عالی تخصصی و غیرتخصصی، از همه کشورهای سرمایه‌داری جهان پیش افتاده است. در آستانه جنگ دوم جهانی، تعداد دانشجویان شوروی از



تظاهرات توده‌نی در اول ماه مه - ۱۱ اردیبهشت‌ماه - (روز جهانی کارگر) سال ۱۹۵۰ در مسکو

کشورهای سرمایه‌داری، طبقه کارگر شوروی، روز به روز بر رفاه خود می‌افزود و از تعداد بیکاران می‌کاست. کامیابی‌های شوروی در همه زمینه‌ها، برتری نظام سوسیالیستی بر سرمایه‌داری را به زحمتکشان جهان نشان می‌داد.

بحران به ثبات موقت سرمایه‌داری خاتمه داد، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را انقلابی کرد. نظریات سازشکارانه درباره آشتی منافع طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی و امکان رشد بی‌بحران اقتصاد سرمایه‌داری بی‌اساس از آب درآمد. امپریالیست‌ها که جرأت شروع جنگ علیه اتحاد شوروی را نداشتند به تشدید خرابکاری در اقتصاد خلق اتحاد شوروی کمک می‌کردند و کارزار افترا را دامن می‌زدند. کشیشان بهره‌بری پاپ، حملات ضد شوروی خود را آغاز کردند، افسانه دروغین کار اجباری در شوروی را به میان آوردند، تا به خیال خودشان جلوی رشد صادرات شوروی را بگیرند و نگذارند هیچ کشوری به شوروی وام بدهد. بدینسان، یک جنگ واقعی اقتصادی علیه کشور شوراهای آغاز شد.

وضع بین‌المللی در این سال‌ها همچنان متشنج بود و مبارزه به خاطر بازار و منطقه نفوذ افزایش یافت و تضاد میان دولت‌های امپریالیستی شدت گرفت. بسیاری از نمایندگان محافظ حاکمه ارتجاعی کشورهای سرمایه‌داری متمایل به یافتن راه خروج از بحران از طریق جنگ و اشغال اراضی دیگران بودند.

## تصفیه بزرگ

تا سال ۱۹۳۴ بازسازی صنایع و

تعاونی کردن کشاورزی در شوروی به پایان رسید. قحطی از میان رفت و آغاز اجرای دومین برنامه پنجساله، نویدبخش زندگی بهتری شد. در همین سال، کنگره هفدهم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی در محیط اوج فعالیت سیاسی و تولیدی خلق، از ۲۶ ژانویه تا ۱۰ فوریه برگزار شد. در این کنگره، استالین، ولادیمیرسکی، رودزوتاک و مانوئیلسکی درباره پیشرفت‌ها، رفع آثار عقب‌ماندگی فنودالی و قرون وسطائی و تبدیل شدن اتحاد شوروی به یک کشور پیشرفته صنعتی با کشاورزی تعاونی گزارش دادند. بر روی هم ۹۹/۵ درصد صنایع به بخش سوسیالیستی و ۸۴/۵ درصد کشتزارهای غله به کلخوزها و سوخوزها (یعنی مزرعه‌های تعاونی و دولتی) انتقال یافته بود. این اقدامات، کینه سرمایه‌داری جهانی و دشمنان سوسیالیسم را صدچندان کرده بود. روز اول دسامبر ۱۹۳۴ کیروف شخصیت برجسته حزب کمونیست و دولت شوروی در لنینگراد به قتل رسید. قاتل، از اعضای پیشین حزب بود که سابقاً اخراج شده بود ولی کارت عضویتش را وسیله استتار جنایت خود قرار داده بود. این جنایت، بار دیگر ضرورت بالا بردن سطح هشیاری انقلابی، سد کردن راه عناصر بیگانه به حزب و جلوگیری از اقدامات خصمانه بر ضد سوسیالیسم و منافع دولت شوروی را به همگان گوشزد کرد.

یکی از تدابیری که موجب تحکیم حزب شد بازرسی و تعویض اسناد حزبی در سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۶ بود. این اقدام به طور کلی نتایج مثبتی به بار آورد. حزب از افراد بیگانه و تصادفی پاک شد، صفوف خود را محکم‌تر کرد و توان رزمی خود را بالاتر





پارتیزان‌ها از مأموریت در غرب بلوروسی باز می‌گردند. علاوه بر مناطق داخلی شوروی، بیش از ۲۰۰۰ دسته پارتیزانی در پشت جبهه آلمانی‌ها فعالیت می‌کردند

برای گسترش دموکراسی حزبی در شوروی پدید آورد. ولی استالین برخی محدودیت‌های دموکراسی را، که در شرایط مبارزه شدید با دشمن طبقاتی اجتناب‌ناپذیر است به موازین رهبری برحزب و کشور تبدیل کرد و در حل مسائل مهم حزبی و دولتی، اصل لنینی رهبری دستجمعی را نقض کرد. در فعالیت استالین میان حرف و عمل اختلاف پدیدار گردید. آثار او درباره خلق به‌مثابه آفریننده تاریخ، درباره نقش حزب و کمیته مرکزی آن به‌مثابه رهبری دستجمعی، درباره توجه به کادرها و توسعه

برد. ولی در جریان بازرسی اسناد، عمل ناموجه اخراج به اصطلاح «غیرفعالان» از حزب روی می‌داد و همین باعث شد که حزب در جریان تصفیه وسیع خود دچار اشتباهاتی بشود. از جانب کمونیست‌هایی که بی‌دلیل از حزب اخراج شده بودند نامه‌های فراوانی به کمیته مرکزی می‌رسید. به این دلیل کمیته مرکزی و سازمان‌های محلی در جریان بازرسی و تعویض اسناد حزبی به اصلاح اشتباهات مرتکبه پرداختند. پیروزی سوسیالیسم، شرایط مناسبی



نخستین سرپازانی که پس از سهمگین‌ترین نبردها مرکز برلین و رایشتاگ (مجلس نمایندگان آلمان) را فتح کردند. دو گروهبان به نامهای یگورف و کانتاریا، پرچم سرخ پیروزی را بر فراز رایشتاگ برافراشتند. پیمان تسلیم بی‌قید و شرط آلمان در روز ۸ مه ۱۹۴۵ از طرف آلمان امضا شد

مستحکم‌تر شود و دولت شوروی پیش‌تر رود، مبارزه طبقاتی در کشور شدیدتر خواهد شد. و این، اساس همه اشتباهات وی شد. ولی پس از پیروزی سوسیالیسم، از بین رفتن طبقات استثمارگر و ایجاد وحدت سوسیالیستی در کشور، نظریه استالین دایر بر اجتناب‌ناپذیر بودن تشدید مبارزه طبقاتی، اشتباه بود و در عمل به‌دلیلی برای توجیه اعمال فشارهای جمعی علیه رجال برجسته حزب و دولت، اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی، فرماندهان بزرگ نظامی شوروی و تعداد زیادی افراد بی‌گناه دیگر از کمونیست و غیرحزبی مبدل شد. بجز استالین، اشخاصی چون مولوتوف،

دمکراسی داخلی حزب، دارای احکام صحیح مارکسیستی بود. ولی در عمل، همین احکام را نقض می‌کرد. در شرایط پیروزی سوسیالیسم نیز لزوم تحکیم همه‌جانبه دولت شوروی و بالا بردن سطح هشیاری در مقابل دسیسه‌های دشمنان و قبل از همه دسیسه‌های احاطه سرمایه‌داری، به‌قوت خود باقی بود. همچنین می‌بایست نسبت به عناصر دشمن از بین طبقات استثمارگر سرنگون شده و عمال آن‌ها احتیاط و هشیاری را مراعات کرد. در سال ۱۹۳۷ یعنی زمانی که سوسیالیسم در شوروی پیروز شده بود، استالین می‌گفت هر قدر مواضع سوسیالیسم

گاگانویچ، یژوف و بریا نیز به نقض آشکار اساسنامه حزب و قوانین شوروی متهمند. بسیاری از تصفیه‌شدگان محاکمه شدند. ولی در بسیاری از دادگاه‌ها نیز نظارت حزب و حکومت، جای خود را به نظارت شخصی استالین داده بود. به دستور استالین، ابتدا یژوف و سپس بریا به مقام کمیساریای داخلی منصوب شدند و با فعالیت‌های جنایتکارانه‌شان به بسیاری از کمونیست‌ها و انسان‌های شریف غیر حزبی شوروی تهمت زده شد و بی‌گناه آسیب دیدند.

در آن هنگام، حزب و مردم از سوء استفاده‌های استالین از قدرت خبر نداشتند. مردم شوروی استالین را مبارز فعال راه پیروزی سوسیالیسم می‌شناختند و به او اعتماد داشتند. این عقیده وجود داشت که فشار، علیه دشمنان واقعی و به سود سوسیالیسم اعمال می‌گردد. اگر موازین لنینی زندگی حزب و قانونیت سوسیالیستی نقض نشده بود رشد جامعه سوسیالیستی و تدارک کشور برای مقابله با بورژوا فاشیسم در جریان جنگ دوم جهانی با موفقیت بیش‌تری انجام می‌گرفت (س ۶).

## سیاست خارجی شوروی در دوران استالین

سیاست خارجی اتحاد شوروی در دوران استالین، ادامه همان سیاستی بود که حزب کمونیست و دولت شوروی از نخستین روز پس از پیروزی انقلاب اکتبر در پیش گرفت. در دوران لنین، نخستین موفقیت‌های روسیه شوروی در حوزه روابط خارجی نشان داد که بلشویک‌ها علاوه بر آن که به خوبی از سازماندهی

کارهای مربوط به دفاع از کشور برمی‌آیند، در همان حال، سیاستمداران و دیپلمات‌هایی پرتوان نیز هستند. کم‌کم ملت‌های سراسر جهان به نخستین دولت کارگران و کشاورزان جهان علاقه‌مند شدند. نخستین رکن سیاست خارجی اتحاد شوروی، همواره دفاع از صلح و ایجاد روابط عادی و برابر حقوق اقتصادی و نیاسی با همه کشورهای بوده است. مثلاً ترکیه، ایران و افغانستان سه همسایه جنوبی و جنوب شرقی روسیه تزاری بودند. از آغاز تاریخ تا تشکیل حکومت شوروی، هیچ یک از قدرت‌های بزرگ، حتی یک پیمان یا موافقتنامه با شرایط عادلانه و برابر حقوق با هیچ یک از این کشورها امضا نکرده بودند. اما پس از اکتبر ۱۹۱۷ اوضاع دگرگون شد.

روز ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ کمیسر خلق شوروی در امور خارجه به اسدخان مأمور سیاسی ایران اطلاع داد که حکومت شوروی همه قراردادهای موافقتنامه‌های مغایر با آزادی و استقلال خلق ایران را ملغی ساخته است. در اواسط دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ که تهدید آغاز جنگ جهانی بسیار ملموس شده بود، اتحاد شوروی سرسختانه برای جلوگیری از آغاز جنگ مبارزه می‌کرد. شوروی، اهمیت قطعی مبارزه علیه نقشه‌های تجاوزکارانه فاشیسم آلمان را منوط به تشکیل شبکه امنیتی دستجمعی کشورهای صلحدوست می‌دانست. ولی بریتانیا، فرانسه و ایالات متحد آمریکا با شوروی که کشوری سوسیالیستی بود به توافق نرسیدند. سیاست خارجی اتحاد شوروی از سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ تاکنون فقط و فقط متوجه یک هدف بوده است: جلوگیری از آغاز جنگ. این



چرچیل، روزولت و استالین، رهبران سه دولت بزرگ در کنفرانس تهران (دسامبر ۱۹۴۳) درباره گشایش جبهه دوم در برابر آلمان در اروپای غربی و بسیاری مسائل مربوط به سال‌های پس از جنگ به توافق رسیدند

رهائی بخش ملی خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود؛ این کار را با کومک‌های غول‌آسا و ایشارگرانه مادی و معنوی به خلق‌های رزمنده همه کشورها انجام داده است و می‌دهد (س ۷).

### جنگ کبیر میهنی

رژیم فاشیستی آلمان به رهبری دارودسته هیتلر و با برخورداری از بزرگ‌ترین نیروی نظامی تاریخ یعنی ۱۹۰ لشکر تماماً موتوری، در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۱، بدون اعلان جنگ، به اتحاد شوروی حمله کرد. با این حمله، خطر اسارت فاشیستی بر فراز جهان به پرواز درآمد. زندگی و کار مسالمت‌آمیز مردم شوروی برهم خورد. خلق شوروی با فاشیسم آلمان، در یک نبرد

سیاست، سیاستی عادلانه و درجهت آرزوها و آرمان‌های همه ملت‌ها بوده است. و اگر نجات جهان از فاجعه‌ئی که آلمان، ایتالیا و ژاپن به شکل جنگی جهانی بر ملت‌ها تحمیل کردند امکان‌پذیر نشد، گناهِش متوجه دولت‌های بریتانیا، فرانسه و ایالات متحد آمریکا است که از متحد و همگام شدن با اتحاد شوروی در دفاع از صلح و جلوگیری از آغاز جنگ خودداری کردند. به همین علت، دولت شوروی که می‌کوشید کشور را از افتادن به کام جنگ نجات دهد، در اوت ۱۹۳۹ پیشنهاد آلمان را درباره امضای معاهده عدم تهاجم پذیرفت.

دومین رکن سیاست خارجی شوروی، کومک به انقلابات و جنبش‌های ضد استعماری، ضد امپریالیستی و

مرگ و زندگی درگیر شد. دوران تازه‌نی در زندگی حزب کمونیست، دولت و خلق شوروی آغاز شد که در تاریخ با نام جنگ کبیر میهنی ثبت شده است.

هیتلر می‌خواست در مدت کم‌تر از شش ماه شوروی را از پای در آورد، ثروت‌هایش را تصرف کند، نظام سوسیالیستی را نابود کند، میلیون‌ها نفر را نابود و بقیه را به‌بردگان خود تبدیل کند (س ۸). ژنرال‌های آلمان برای حمله به اتحاد شوروی، نقشه‌نی به نام «جنگ برق‌آسا» تدارک‌دیده بودند. آلمان در لحظه حمله به شوروی، تقریباً سراسر اروپای غربی را اشغال کرده بود. در جهان سرمایه‌داری، نیروئی نبود که بتواند راه را بر آن ببندد. انگلستان در جزیره خود تقریباً در محاصره بود، ایالات متحد آمریکا حالت انتظار در پیش گرفته بود. حمله ناگهانی هیتلری‌ها ارتش سرخ را در وضع فوق‌العاده سختی قرار داد، به‌طوری که این ارتش با وجود تمام پایداری‌ها و دلیری‌هایش نتوانست دشمن را که از حیث تعداد و تجهیزات و وسائل جنگی تفوق داشت متوقف سازد. گروه‌های ضربتی ارتش آلمان، تعرض غافلگیرانه خود را در سه سمت اصلی به‌سوی لنینگراد، مسکو و کی‌یف گسترش دادند (س ۹). ارتش سرخ مجبور شد با نبردهای سنگینی عقب‌نشینی کند. یک ماه پس از آغاز جنگ، لیتوانی و بخشی از مولداوی و لتونی، غرب روسیه سفید و غرب اوکراین به اشغال ارتش آلمان درآمد.

استالین صدر کمیته دفاع و فرمانده نیروهای مسلح، برنامه‌نی را که کمیته مرکزی حزب و حکومت شوروی تنظیم نموده بود در سوم ژوئیه ۱۹۴۱ از رادیو

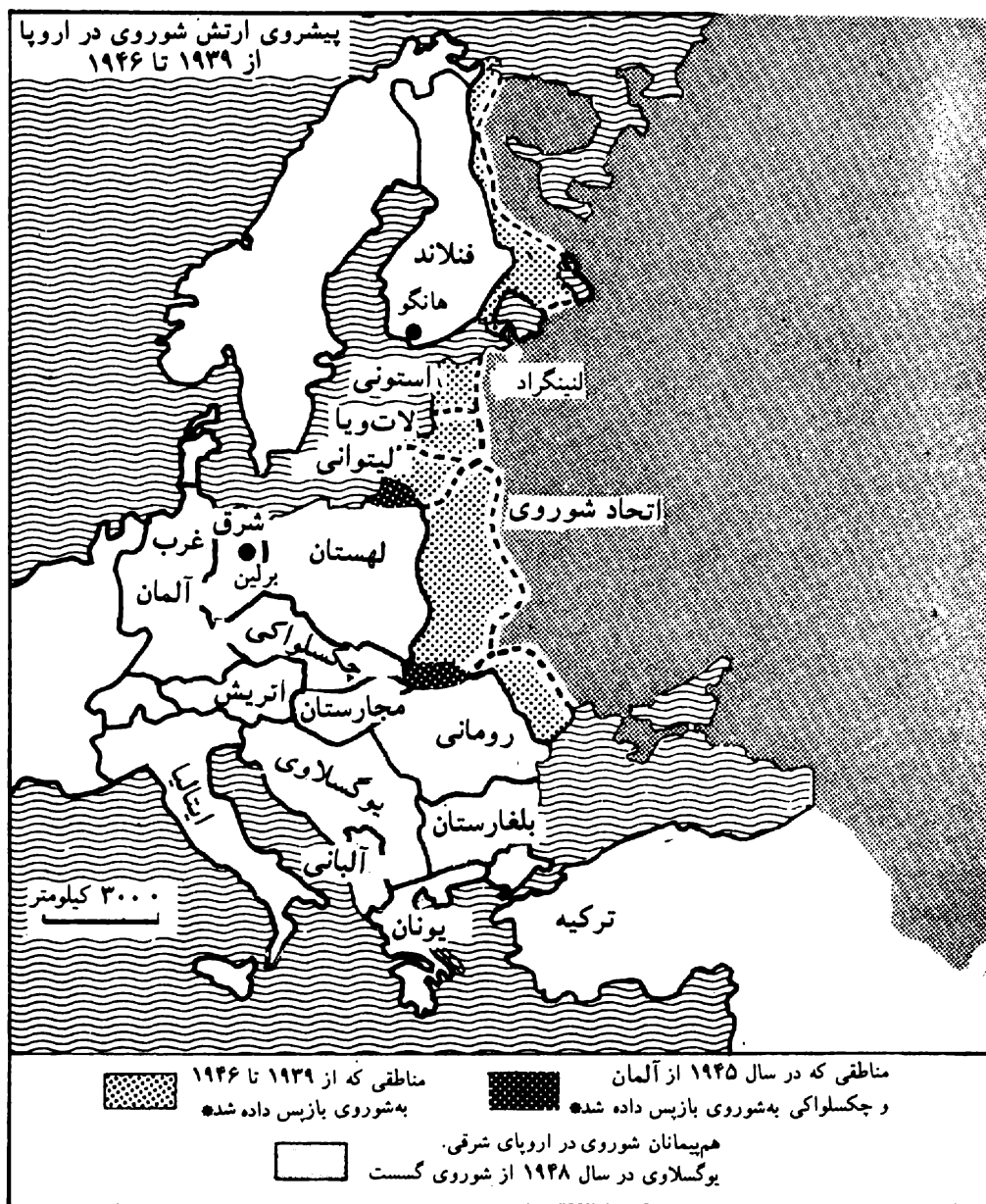
به آگاهی مردم رسانید. در این برنامه، با طرح دو شعار «همه چیز برای جبهه!» و «همه چیز برای پیروزی!»، جنبه عادلانه جنگ کبیر میهنی و وظیفه مقدس هر فرد در دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم به مردم توضیح داده شد و از آنان خواسته شد که دلیرانه و قهرمانانه در جبهه بجنگند و فداکارانه در پشت جبهه کار و تولید کنند. به ارتش سرخ مأموریت داده شد که از هر وجب خاک شوروی دفاع کند، ارتش آلمان را با نبردهای دفاعی فرسوده و ناتوان کند، از خاک شوروی براند، به خلق‌های اروپا برای رهائی از یوغ فاشیسم کمک کند، و راهزنان هیتلری را در درون خاک خود آلمان تارومار کند و به جنگ پایان دهد.

استالین و حزب کمونیست، با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، انتقال صنایع به شرق شوروی را سازمان دادند. بیش از ده میلیون نفر و ۱۳۶۰ کارخانه بزرگ، تقریباً تمام دستگاه‌های ماشینی. و تجهیزات نیروگاه‌ها به شرق شوروی انتقال داده شدند. تلاش بی‌وقفه طبقه کارگر باعث شد که تولیدات صنعتی شوروی از اوائل سال ۱۹۴۲ رو به افزایش بگذارد.

مردم شوروی، در همه جا دسته‌های چریکی تشکیل می‌دادند تا کوشش‌های هیتلری‌ها را برای تصرف شهرهای شوروی عقیم بگذارند. وصف قهرمانی‌های مردم در برابر متجاوزان، در این کتاب کوچک نمی‌گنجد. دسته‌های چریکی علاوه بر خاک شوروی، در عقب جبهه دشمن نیز عمل می‌کردند شکست آلمانی‌ها در نزدیکی مسکو و آغاز تعرض موفقیت‌آمیز ارتش سرخ در اواخر ۱۹۴۱ و اوائل ۱۹۴۲، تحولی بنیادی در جنگ کبیر میهنی پدید

آمریکا، کمیته ملی فرانسه آزاد و کشورهای اشغال شده اروپای شرقی، پشتیبانی خود از جنگ کبیر میهنی شوروی را اعلام کردند. ارتش سرخ تا تابستان ۱۹۴۴ نزدیک به سه چهارم اراضی اشغال شده کشور را آزاد کرد. بیش از ۵۰۰ هزار سرباز و افسر آلمانی به اسارت گرفته شدند.

آورد: دوران تعرض ارتش سرخ و هزیمت ارتش آلمان آغاز شد. به بسیاری از شهرهای شوروی، مانند مسکو و استالینگراد، با توجه به رشادت و قهرمانی‌های مدافعانش، لقب «شهر قهرمان» داده شد (س ۱۰).  
حکومت‌های انگلیس، ایالات متحد



● این مناطق به‌سبب بی‌مان صلح برست - لیتوفسک در پایان جنگ اول جهانی توسط آلمان از خاک شوروی جدا و به‌حکومت‌های فاشیستی لهستان و رومانی آن زمان واگذار شده بود.

ارتش سرخ همچون ارتشی آزادیبخش به سوی غرب پیش می‌رفت، و این در اجرای اصل انترناسیونالیسم پرولتری و تحقق رسالت تاریخی آزادیبخش ارتش بود. سپاهیان شوروی در مارس ۱۹۴۴ رومانی و در ژوئیه همان سال لهستان را آزاد کردند. حکومت‌های فاشیستی و دست‌نشانده کشورهای چون بلغارستان، یوگسلاوی، مجارستان، یونان، لهستان و رومانی در اثر پیوستن جبهه‌های متحد خلق از درون این کشورها به ارتش سرخ، یکی پس از دیگری سرنگون شدند. سقوط نهائی هیتلر پس از ده روز نبرد خیابانی میان ارتش سرخ و نیروهای آلمان در برلن، روز ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ با برافراشته شدن پرچم‌های سرخ بر فراز رایشتاگ، اعلام شد. خلق شوروی و نیروهای مسلح آن در يك اتحاد رزمی با ارتش‌های انگلستان، آمریکا، فرانسه، لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی، آلبانی، اتریش، رومانی، بلغارستان و مجارستان و نیروهای رزمنده جنبش مقاومت بر متجاوزان غلبه کردند. جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی و همراه با آن جنگ دوم جهانی پایان یافت. خلق شوروی به رهبری کمونیست‌ها نه تنها از میهن خود دفاع کرد بلکه ارتش سرخ خلق‌های اروپا را نیز از بردگی فاشیسم نجات داد، به خلق‌های چین و سایر کشورهای آسیا در مبارزه برضد امپریالیسم ژاپن کمک عظیمی کرد و با پشتیبانی خلق‌های کشورهای اشغال شده، اشغالگران را از لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی، بلغارستان، رومانی، مجارستان،

اتریش، قسمت شمالی نروژ، استان‌های شمال شرقی چین و کره شمالی بیرون راند و استقلال ملی‌شان را به آن‌ها باز گردانید. در تمامی دوران جنگ کبیر میهنی و عملیات آزادیبخش ارتش سرخ، بیش از ۲۰ میلیون نفر از سربازان و غیرنظامیان شوروی به شهادت رسیدند؛ و بیش از این تعداد نیز زخمی و ناقص‌العضو شدند.

### میراث استالین

استالین در ۵ مارس ۱۹۵۳ درگذشت. کیش شخصیت استالین این تصور را در دشمنان شوروی به وجود آورده بود که گویا مردم، حزب کمونیست و دولت شوروی پس از درگذشت او که شایستگی‌های بسیار نیز داشت، دچار سردرگمی و تزلزل خواهند شد (س ۱۱). در سال‌های پس از مرگ استالین، حزب با قاطعیت به سروسامان دادن اوضاع، ادامه پیشرفت‌های غول‌آسا در صنعت و کشاورزی و تکامل فرهنگی توده‌های مردم پرداخت. در تعقیب همین سیاست بود که حزب با پیروی از آموزش‌های مارکسیسم-لنینیسم درباره نقش توده‌های خلق، حزب و شخصیت در تاریخ، از کیش شخصیت انتقاد کرد. حزب می‌دانست که دشمنان خواهند کوشید انتقاد از اشتباهات ناشی از کیش شخصیت را دستاویز مقاصد ضدشوروی قرار دهند؛ ولی به پیروی از ملاحظات عالی اصولی و منافع مبارزه در راه کمونیسم، این گام را برداشت (س ۱۲).

## سند ۱

واپسین وصیت لنین نظر لنین درباره استالین، خطاب به اعضای دفتر سیاسی حزب که در روزهای ۲۴ دسامبر ۱۹۲۲ و ۴ ژانویه ۱۹۲۳ نوشته شده است

۲۴ دسامبر ۱۹۲۲. فکر می‌کنم از این دیدگاه، اساس در مسأله استواری، اعضای کمیته مرکزی چون استالین و تروتسکی باشند. به پندار من، مناسبات میان اینان فراگیرنده نیمی از خطر آن انشعابی است که می‌توان از آن دوری جست، و در ضمن من بر آنم که افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی تا پنجاه، تا صد نفر می‌تواند به دوری جستن از چنین انشعابی خدمت کند. رفیق استالین پس از آن که دبیرکل شد، قدرتی بیش از توان در دست خویش متمرکز کرد و من اطمینان ندارم که وی همواره بتواند با احتیاط این قدرت را به کار برد.

۴ ژانویه ۱۹۲۳. استالین بیش از اندازه خشن است و این کمبودی که در میان ما و در مناسبات میان ما کمونیست‌ها یکسره تحمل‌شدنی است، در مقام دبیرکلی، تحمل‌ناپذیر می‌گردد. از این رو به رفق پیشنهاد می‌کنم که در اندیشه راه بر کنار کردن استالین از این مقام برآیند و در این مقام فردی دیگر را بگمارند که از هر نظر با رفیق استالین يك تفاوت داشته باشد و آن هم این که بردبارتر، سخن‌پذیرتر و مؤدب‌تر باشد، بیش‌تر به رفق توجه و کم‌تر بدخلقی کند و جز این‌ها. اما فکر می‌کنم که از دیدگاه پیشگیری از انشعاب و از دیدگاه آنچه که در بالا درباره مناسبات متقابل استالین و تروتسکی نوشته‌ام، این‌ها خرده‌های ناچیزی نیستند و یا خرده‌هایی هستند که می‌توانند اهمیتی سرنوشت‌ساز داشته باشند.

(متن سند از این کتاب نقل شده است: و. ای. لنین، واپسین نامه‌ها،

ترجمه سیروی ایزدی، تهران، نشر آفتاب، ۱۳۵۸، صفحات ۱۲-۱۵)

## سند ۲

پیروزی سوسیالیسم در يك کشور نظرات استالین درباره پیروزی سوسیالیسم در يك کشور، در رساله راجع به اصول لنینیسم (چاپ اول، مه ۱۹۲۴) بیان شده است. در بخشی از رساله مزبور چنین گفته می‌شود:

امکان پیروزی سوسیالیسم در يك کشور چیست؟ این عبارت است از امکان حل تضاد میان



پرولتاریا و دهقانان به وسیله نیروهای داخلی کشور ما، امکان به دست آوردن حاکمیت از طرف پرولتاریا و استفاده از این حاکمیت برای ساختن جامعه کامل سوسیالیستی در کشور ما با وجود طرفداری و پشتیبانی پرولترهای سایر کشورها ولی بدون لزوم پیروزی قبلی انقلاب پرولتاریا در سایر کشورها.

بدون داشتن این امکان، ساختمان سوسیالیسم ساختمانی بدون هدف و ساختمانی بدون اطمینان به ساختن کامل سوسیالیسم می باشد. بدون اعتماد به امکان ساختمان سوسیالیسم و بدون اعتماد به این که عقب ماندگی فنی کشور ما یک مانع بر طرف نشدنی در راه ساختمان جامعه کامل سوسیالیستی نیست، سوسیالیسم را نمی توان بنا نمود. انکار چنین امکانی عدم ایمان نسبت به امر ساختمان سوسیالیسم و دور شدن از لنینیسم است.

(منبع سند فارسی: ی. استالین، مسائل لنینیسم، جلد اول، تهران، ۱۳۵۸، سازمان نشر ادبیات کارگری، ص ۲۳۷)

سند ۳

### صنعتی کردن شوروی

۱۹۵۵	۱۹۴۰	۱۹۳۳	۱۹۲۹	۱۹۱۳	ذغال سنگ (میلیون تن)
۴۲۹	۱۶۵	۶۴	۳۵	۲۹	آهن (میلیون تن)
۳۳	۱۵	۶	۴	۴	فولاد (میلیون تن)
۴۵	۱۸	۶	۵	۴	اسید سولفوریک (میلیون تن)
۳/۸	۱/۵	۰/۵۵۲	۰/۲۱۵	۰/۱۴	نفط (میلیون تن)
۷۱	۳۱	۲۰	۱۲	۹	برق (میلیون کیلووات ساعت)
۱۷۰۲۲۵	۴۸۳۰۹	۱۵۰۰	۶۲۲۴	۲۰۳۹	ماشین های فلز تراشی (هزار واحد)
۱۳۸۰۰۰	۵۸۰۰۰	۱۹۷۰۰	۴۳۰۰	۱۸۰۰	راه آهن (کیلومتر)
۱۲۰۰۰۰	۱۰۶۰۰۰	۸۴۰۰۰ (حدود)	۴۲۰۰۰ (حدود)	۷۳۹۰۰	تولید تراکتور
۱۶۳۰۰۰	۳۱۰۰۰	۴۹۰۰۰	۱۳۰۰	۰	

سند ۳

صنعتی کردن شوروی بخشی از سخنرانی استالین در نخستین کنفرانس کارکنان صنایع سوسیالیستی سراسر اتحاد شوروی در تاریخ فوریه ۱۹۳۱ که در آن بر صنعتی کردن شوروی تأکید شده است

گاهی می پرسند آیا نمی شود قدری آهنگ [کار] را کندتر کرد، حرکت را قدری بازداشت؟ نه،

نمی‌شود، رفقا! نمی‌شود آهنگ [کار]ها را پائین آورد! برعکس، به قدر قوه و امکان باید بر آن افزود. تعهداتی که ما در قبال کارگران و دهقانان اتحاد شوروی داریم چنین ایجاب می‌نماید. تعهداتی که ما در قبال طبقه کارگر تمام دنیا داریم این طور ایجاب می‌کند.

بازداشتن آهنگ کار به مثابه عقب ماندن است. عقب ماندگان را هم می‌زنند. ولی ما نمی‌خواهیم کتک بخوریم. نه، نمی‌خواهیم! یکی از خصوصیات تاریخ روسیه قدیم این بود که آن را به مناسبت عقب‌ماندگی‌اش همواره می‌زدند... به واسطه عقب‌ماندگی نظامی، به واسطه عقب‌ماندگی فرهنگی، عقب‌ماندگی دولتی، به واسطه عقب‌ماندگی صنعتی و به واسطه عقب‌ماندگی کشاورزی می‌زدند....

ما از ممالک پیشرو، ۵۰ تا ۱۰۰ سال عقب مانده‌ایم. ما باید این مسافت را در ظرف ده سال بپیماییم. یا ما این کار را می‌کنیم یا ما را خرد می‌کنند.

مسائل لنینیسم، نوشته استالین، جلد دوم، ص ۵۲۵-۵۲۶.

#### سند ۴

نخستین برنامه پنجساله اظهار نظر گیسون جاروی سرمایه‌دار انگلیسی و رئیس بانک یونایتد دومینیون در اکتبر ۱۹۳۲

«من می‌خواهم توضیح بدهم که من نه کمونیست هستم و نه بلشویک. من یک نفر سرمایه‌دار و اندیویدوالیست مسجل هستم... روسیه به پیش می‌رود، در حالی که تعداد معتنا بهی از کارخانه‌های ما خوابیده است و تقریباً سه میلیون نفر از مردم ما نومیدانه در تکاپوی کارند. برنامه پنجساله را مورد تمسخر قرار می‌دادند و عدم موفقیت آن را پیشگویی می‌کردند. ولی شما می‌توانید یقین داشته باشید که در شرایط برنامه پنجساله، بیش از آنچه پیش‌بینی شده بود انجام شده است... در کلیه شهرهای صنعتی که من بازدید کردم نواحی جدید به وجود می‌آید که ... دارای خیابان‌های وسیع و مشجر و گلکاری شده، معاصرترین عمارات، مدارس، بیمارستان‌ها، کلوب‌های کارگری بوده و حتماً دارای شیزخوارگاه‌ها و کودکستان‌هایی می‌باشند که در آنجا از کودکانی که مادران‌شان کار می‌کنند مواظبت می‌شود... شاید مهم‌تر از همه این باشد که تمام جوانان و کارگران در روسیه یک چیز دارند و آن را متأسفانه کشورهای سرمایه‌داری فاقدند - و آن امید است.»

(مسائل لنینیسم، استالین، جلد ۲، ص ۵۸۰-۵۸۱)

#### سند ۵

رفاه اجتماعی در شوروی بخشی از نامه‌های معروف جواهر لعل نهرو به دخترش ایندیرا، که در آن‌ها به تشریح تاریخ تکامل جوامع بشری پرداخته است

کار کردن به جای خود باقی می‌ماند و باید باقی بماند هر چند که محتملاً در آینده مطبوع‌تر و سبک‌تر از سال‌های دشوار نخستین برنامه پنجساله باشد. در واقع شعار اتحاد شوروی آن است که

«کسی که کار نمی‌کند نخواهد خورد». اما شعار بلشویک‌ها چیزی بالاتر یعنی «کار کردن به‌خاطر بهبود وضع اجتماعی» بود. در زمان‌های گذشته، ایده آلیست‌ها و بعضی افراد منفرد بودند که افکار عالی داشتند و برای چنین منظورهائی کار می‌کردند. اما سابقه نداشت که جامعه‌ئی متفقاً و با هم این اصل را بپذیرد و موافق آن کار کند. اساس جامعه سرمایه‌داری بر رقابت و استفاده شخصی نهاده شده و این استفاده همواره بر ضرر افراد دیگر است. این هدف سودجویی جامعه سرمایه‌داری در اتحاد شوروی جای خود را به هدف عالی‌تر اجتماعی داده است و همان طور که يك نویسنده آمریکائی می‌گوید کارگران روسیه می‌آموزند که «رهائی از چنگ ترس و احتیاج، از قبول پیوستگی‌های متقابل نتیجه می‌شود». همین از میان رفتن ترس مهیب از فقر و از عدم امنیت در شوروی که در همه جای دیگر بر توده‌های مردم فشار می‌آورد يك کامیابی بسیار بزرگ است... همین وضع سبب شده است که بیماری‌های روحی در شوروی تقریباً از میان برود.

(جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۱، جلد سوم صفحات ۱۶۴۲-۱۶۴۳)

سند ۶

### تغییرات جمعیت در اتحاد شوروی

شهری	روستایی	شهری	جمعیت	
(درصد)	(میلیون نفر)	(میلیون نفر)	(میلیون نفر)	
۱۸	۱۳۱/۱	۲۸	۱۵۹/۲*	۱۹۱۳
۱۸	۱۲۰/۷	۲۶/۳	۱۴۷	۱۹۲۶
۳۳	۱۱۴/۴	۵۶/۱	۱۷۰/۶	۱۹۳۹
۴۸	۱۰۹	۹۹/۸	۲۰۸/۸	۱۹۵۰

سند ۶

**نظر استالین درباره تصفیه‌ها** بخشی از کتاب تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی که در سال ۱۹۳۸، یعنی در زمان استالین و يك سال پیش از آغاز جنگ دوم جهانی نوشته شده و بخش‌هایی از آن به‌عبارتی، توسط خود استالین نوشته شده است

در سال ۱۹۳۷ مدارك نوینی درباره جنایت پیشگان بوخارینی و تروتسکیستی کشف شد. دادرسی در قسمت پرونده پياتاکوف، رادك و سایرین و دادرسی در قسمت پرونده توخاچفسکی، یاگیر و دیگران و بالاخره دادرسی در قسمت پرونده بوخارین... نشان داد که مدت‌هاست بوخارینی‌ها و

\* شامل مناطقی که پس از انقلاب ۱۹۱۷ از امپراتوری روسیه جدا شدند.

تروتسکیست‌ها زیر عنوان «ائتلاف دست راستی‌ها و تروتسکیست‌ها» باند مشترکی را از دشمنان ملت تشکیل داده‌اند.

جریان این دادرسی‌ها نشان داد که این ته مانده‌های بشریت، به اتفاق دشمنان ملت یعنی تروتسکی، زینوف و کامنف از همان روزهای اول انقلاب سوسیالیستی اکتر بر ضد لنین و حزب و برضد دولت شوروی توطئه داشته‌اند. کوشش‌های فتنه‌جویانه برای خنثی کردن صلح برست در آغاز سال ۱۹۱۸؛ توطئه بر ضد لنین و بندوبست برای بازداشت و کشتن لنین، استالین و اسوردلف در بهار ۱۹۱۸؛ تیراندازی جنایت‌بار و زخمی نمودن لنین در تابستان ۱۹۱۸... حداث دادن عمدی به اختلافات حزبی در سال ۱۹۲۱ به منظور متزلزل نمودن رهبری حزب در موقع بیماری و پس از مرگ لنین، افشای اسرار دولتی و دادن اطلاعات جاسوسی به عمال جاسوسی خارجی... و نظایر آن به طوری که معلوم شد طی بیست سال به اشتراک و یا به رهبری تروتسکی، زینوف، کامنف، بوخارین، ریکوف و هم‌دستان آن‌ها برحسب دستور عمال جاسوسی بورژوازی بیگانه صورت می‌گرفته است.

این دادرسی‌ها آشکار ساخت که بدنهادان تروتسکیستی و بوخارینی، که اراده اربابان خود یعنی عمال جاسوسی بورژوازی بیگانه را انجام می‌دادند، تخریب حزب و دولت شوروی، بر باد دادن دفاع کشور، تسهیل مداخله جنگی خارجی، تهیه مقدمات شکست ارتش سرخ، تجزیه کشور اتحاد شوروی، واگذار کردن کرانه‌های خاور دور شوروی به ژاپنی‌ها، واگذار کردن بلوروسی شوروی به لهستانی‌ها، تسلیم اوکراین شوروی به آلمانی‌ها، نابود کردن پیروزی‌های کارگران و کلخوزی‌ها و استقرار یوغ اسارت سرمایه‌داری در اتحاد شوروی را هدف خویش قرار داده بودند. دادگاه‌های شوروی، بدنهادان بوخارینی و تروتسکیستی را محکوم به اعدام نمود. ملت شوروی عمل درهم شکستن باند بوخارینی و تروتسکیستی را مورد تصدیق قرار داد و به کارهای جاری خود پرداخت. (تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی، تهران، بدون ناشر، ۱۳۵۷، صفحات ۴۱۵-۴۱۶)

## سند ۷

سیاست صلح‌طلبی و کمک به خلق‌های جهان بخشی از نظرات مائوتسه‌دون که در جلد دوم منتخب آثار وی آمده است

۱. وحدت منافع اتحاد شوروی و همه بشریت. (۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹)  
... سیاست خارجی اتحاد شوروی طی دوزانی بسیار طولانی به طور پیگیر سیاست صلح بوده است، سیاستی که براساس پیوند منافع وی و منافع اکثریت عظیم بشریت جهان استوار است.... هنگامی که آلمان و ایتالیا مشترکاً به اسپانیا حمله بردند و انگلستان، آمریکا و فرانسه سیاست به ظاهر «عدم مداخله» را اتخاذ کردند ولی در باطن سیاست آزاد گذاشتن دست تجاوز آلمان و ایتالیا را در پیش گرفتند، اتحاد شوروی به نیروهای جمهوریخواه اسپانیا در مقاومت‌شان علیه آلمان و ایتالیا فعالانه یاری رساند... به‌چین در مقاومتش علیه ژاپن کمک کرد.
۲. استالین - دوست خلق چین (۲۰ دسامبر ۱۹۳۹)

۲۱ دسامبر امسال شصت سال از عمر رفیق استالین می‌گذرد. تبریک به استالین... به معنی پشتیبانی از پیروزی سوسیالیسم و پشتیبانی از راهی است که او به بشریت نشان می‌دهد... زیرا که امروز اکثریت عظیم بشریت در رنج به سر می‌برد و تنها از راهی که استالین نشان داده است و تنها به کمک استالین، بشریت می‌تواند خود را از رنج رهایی بخشد.

خلق چین که دوران تلخ‌ترین رنج‌های تاریخ خود را می‌گذراند، به کمک دیگران نیازمیرم دارد... اما دوستان ما کیستند؟... دوستانی از نوع دیگر، دوستانی که واقعاً هوادار ما هستند و به ما مانند برادر می‌نگرند. اینها کیستند؟ اینها خلق شوروی و استالین می‌باشند.

هیچ کشور دیگری از امتیازات خود در چین چشم‌پوشید؛ تنها اتحاد شوروی چنین کرد. تمام امپریالیست‌ها طی نخستین انقلاب کبیر چین با ما به مبارزه برخاستند؛ تنها اتحاد شوروی به کمک ما شتافت... با نیروی هوایی و منابع مادی خود به ما کمک رسانید.

فقط کشور سوسیالیستی، رهبر و خلق آن، متفکرین، سیاستمداران، زحمتکشان سوسیالیستی می‌توانند به امر آزادی ملت چین و خلق چین کمک واقعی برسانند...

در مبارزه به خاطر آزادی، استالین دولت صدیق خلق چین است. هیچ کوششی برای افشاندن بذرفاق، هیچ دروغ و اتهامی قادر نیست در مهرورزی و احترام خلق چین به استالین، در دوستی صمیمانه ما نسبت به اتحاد شوروی خللی وارد آورد.

(مائوتسه‌دون، منتخب آثار، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۸، صفحات ۴۹۷-۴۹۹)

## ۸ سند

شوروی در محاصره دشمنان از بیانیه‌ئی که در سال ۱۹۳۷ توسط استالین نوشته شد

..... قدرت شوروی فقط در يك ششم کره زمین پیروز شده است، پنج ششم بقیه در تصرف قدرت‌های سرمایه‌داری است... اتحاد شوروی در محاصره قدرت‌های سرمایه‌داری است. امروزه خیلی‌ها محاصره شوروی توسط قدرت‌های سرمایه‌داری را جدی نمی‌گیرند و خیلی‌ها اصلاً نمی‌خواهند در باره این که این محاصره چه جور چیزی است، لحظه‌ئی بیندیشند.

محاصره سرمایه‌داری، يك عبارت توخالی نیست بلکه واقعیتی بسیار ناخوشایند و موجود است. معنای این محاصره، این است که يك کشور یعنی اتحاد شوروی، نظام سوسیالیستی را در سرزمین خود برقرار کرده است و در کنارش کشورهای بسیاری هستند که نظام‌شان سرمایه‌داری است و به شیوه زندگی بورژوائی خویش ادامه می‌دهند، شوروی را محاصره کرده‌اند و در انتظار فرصتند تا به آن حمله کنند، آن را خرد کنند و به هر ترتیبی شده قدرتش را تضعیف و نابودش کنند.

رفقای ما این واقعیت اساسی را فراموش کرده‌اند. ولی همین واقعیت، شالوده روابط اتحاد شوروی با جهان سرمایه‌داری را تعیین می‌کند...

آیا روشن نیست که تا وقتی محاصره سرمایه‌داری وجود دارد آن‌ها خواهند کوشید مزدوران، جاسوسان، مفسدان و آدمکشان را به کشور ما بفرستند؟

**محاصره لنینگراد** لنینگراد ۹۹۹ روز در محاصره آلمانی‌ها و فنلاندیها بود. بیش از ۸۰۰ هزار نفر در این شهر جان خود را از دست دادند. نیکولای مارک‌ویچ روزنامه‌نگار روسی یکی از کسانی است که مشاهدات خود در دوره محاصره را در دفتر روزانه‌اش می‌نوشت

۲۴ ژانویه ۱۹۴۲. شهر مرده است. برق نیست. اتاق گرم، کم‌تری پیدا می‌شود. قطارهای شهری کار نمی‌کنند. آب قطع شده است. تنها وسیله نقلیه، سورت‌مه است که اجساد را در تابوت‌های معمولی بر آن‌ها حمل می‌کنند، روی کشته شدگان را با لباس‌های ژنده پوشانده یا تکه لباسی بر تن‌شان مانده است. روزانه شش تا هشت هزار نفر کشته می‌شدند.... شهر همان گونه که در شش ماه گذشته زیسته است، اینک در حال مردن است و دندان‌هایش را برهم می‌فشرد.

### استالینگراد، ۱۹۴۲

کشتی‌های شوروی بی‌مهابا می‌جنگند تا از يك سيلو در جنوب استالینگراد دفاع کنند. تانک‌ها و پیاده نظام آلمان که تقریباً ده برابر ما هستند، بلافاصله، از جنوب و غرب دست به حمله زدند. پس از دفع نخستین حمله، دومین و سپس سومین حمله آغاز شد، و این درحالی بود که هواپیمای شناسائی دشمن بر فراز محل تجمع ما پرواز می‌کرد. این هواپیما جهت آتش را تصحیح می‌کرد و موضع ما را به دشمن گزارش می‌داد. بر روی هم، روز ۱۸ سپتامبر، ده حمله را دفع کردیم. غله در سيلو آتش گرفته بود، آب مسلسل‌ها خشکید و تمام شد، مجروحان تشنه بودند، ولی آب در آن نزدیکی‌ها پیدا نمی‌شد. در چنین وضعی، یکسره، سه شبانه روز از خود دفاع کردیم. آتش، دود، تشنگی - لب‌هامان ترك خورده بود. هنگام روز، بسیاری از ما به بلندترین نقطه سيلو می‌رفتیم و از آنجا به آلمانی‌ها شلیک می‌کردیم؛ شب هنگام پائین می‌آمدیم و دور تا دور سيلو يك حلقه دفاعی درست می‌کردیم. دستگاه بی‌سیم ما در نخستین روز حمله خراب شد و تماس مان با واحدهای خودی قطع شد.

**استالین، سیاستمدار قابل** آنتونی ایدن، وزیر خارجه بریتانیا در سال‌های جنگ دوم جهانی بارها با استالین در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله در کنفرانس یالتا به سال ۱۹۴۳ دیدار کرد

مارشال استالین به‌عنوان طرف مذاکره، سرسخت‌ترین سیاستمدار است. اگر پس از سی سال تجربه اندوزی در انواع کنفرانس‌های بین‌المللی، قرار می‌شد گروهی از سیاستمداران را برای مذاکره برگزینیم، استالین را به‌عنوان نفر اول برمی‌گزیدم. البته وی خشن است ولی هدفش را

می‌داند. او هیچ گاه، حتی يك کلمه را به‌هدر نمی‌دهد. هرگز دستخوش عصبانیت نمی‌شود. به‌ندرت ممکن است خشمگین شود. شال و کلاهش را فراموش نمی‌کند، آرام است و هرگز صدایش را بلند نمی‌کند، از منفی‌بافی‌های تکراری مولوتوف که شنیدنش یأس‌آور بود خودداری می‌کند. شخصیت استالین با شیوه‌های هوشمندانه‌ی، به‌هر آنچه که می‌خواست، بی‌آن که اثری از لجاجت در او دیده شود، دست می‌یافت.

## سند ۱۲

انتقاد از کیش شخصیت استالین استالین تصویری بسیار مبالغه‌آمیز از نقش و خدمات خود داشت و اطمینان یافته بود که از او اشتباه سر نمی‌زند و به‌سوء استفاده از اعتماد حزب، نقض اصول و موازین زندگی حزبی و قوانین شوروی آغاز نمود

کیش شخصیت استالین، به‌ویژه در آخرین سال‌های زندگی او، به‌کاررهبری بر حزب و دولت و به‌ساختمان سوسیالیسم زیان جدی وارد نمود.

ولی علیرغم اراجیف دشمنان سوسیالیسم، کیش شخصیت نتوانست فعالیت و تأثیر قانونمندی‌های عینی سوسیالیسم را برهم زند، نتوانست سرشت عمیقاً دموکراتیک و واقعاً خلقی نظام شوروی را که نیروی اصلی حرکت‌دهنده آن طبقه کارگر و توده‌های عظیم زحمتکشان به‌رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی بوده، هست و خواهد بود تغییر دهد و تغییر هم نداد. کیش شخصیت نتوانست مبانی سازمانی، سیاسی و تئوریک حزبی را که لنین بزرگ ایجاد نموده و با روح انقلابی پرورش داده بود متزلزل سازد. حزب مانند يك ارگانيسم زنده فعالیت می‌نمود و سازمان‌های محلی حزب به‌طور خلاق کار می‌کردند. سیاستی که حزب اجرا می‌کرد سیاستی صحیح و بیانگر منافع خلق و هدف آن سازندگی سوسیالیسم بود. هیچ چیزی نمی‌تواند از اهمیت و اعتبار موفقیت‌های شگرفی که حزب و خلق در امر سازندگی سوسیالیسم احراز کرده‌اند بکاهد.

هدف انتقاد حزب از کیش شخصیت، رفع عواقب زیانبار آن و تحکیم مواضع سوسیالیسم از این راه بود. حزب در فعالیت ی.و. استالین هر دو جهت را مشاهده می‌کرد: جهت مثبت که به‌آن ارزش می‌نهد و جهت منفی که آن را انتقاد نموده محکوم می‌سازد.

(تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، جلد دوم، ترجمه علی گلاویز و هدایت حاتمی، ص ۲۹۱، انتشارات حزب توده ایران، تهران، ۱۳۵۸)

## قابل توجه خوانندگان

فهرستی که تاکنون ۶۱ عنوان آن آگهی شده فقط ترجمه بوده است، با محاسن و معایب خاص آن. بسیاری از عنوان‌هایی که می‌تواند برای جامعه ما سودمند باشد در این مجموعه نبود. از اینرو، تصمیم گرفتیم که آن موضوعات و مسائل مورد نظر را با همکاری گروهی از نویسندگان صاحب نظر منتشر کنیم. این کتاب‌ها اکنون در دست تهیه است و امیدواریم که بزودی منتشر کنیم. اینک چند نمونه از آن عنوان‌ها و مسائل:

نهضت‌های آزادیبخش جهان، انقلاب‌های جهان، نفت، اوپک، انحصارات نفتی، شرکت‌های چندملیتی، خلیج فارس، خاورمیانه، رهبران مشروطه، جنبش‌های رهایی‌بخش ایران.

مسائل جامعه‌شناسی شهری ایران، مثل بوزولاز سوداگر ایران، کشاورزی ایران، مسأله ارضی، پوله‌ها، جنبش‌های دهقانی، و غیره.

در باره چهره‌های فرهنگی ایران، چون فیما، صادق هدایت، ارافی، دهخدا و غیره.

بجائیکه در این مجموعه سهو و خطاهایی، از هر نظر، رفته است که خود به برخی از آن‌ها آگاهیم، امید است که با یاری خوانندگان دلسوزی که اینگونه خطاها را با نوشتن نامه به ما یادآوری می‌کنند، در چاپ‌های بعدی به رفع آن‌ها برخیزیم.

ناشر



## مجموعه تاریخ برای نوجوانان

انسان و غذا	(۳۱)	داروین	(۱)
اقتصاد جهانی	(۳۲)	مائوتسه - تونگ	(۲)
آفریقای سنتی	(۳۳)	انقلاب چین	(۳)
شهرها	(۳۴)	لئوناردو داوینچی	(۴)
انقلاب روسیه	(۳۵)	انقلاب فرانسه	(۵)
آشوکا و تمدن هند	(۳۶)	بولیوار	(۶)
انسان و قانون	(۳۷)	گاندی	(۷)
ادویه و تمدن‌ها	(۳۸)	تجارت برده	(۸)
چین سنتی	(۳۹)	ابن سینا	(۹)
انقلاب مکزیک	(۴۰)	انقلاب علمی	(۱۰)
لوتر، اراسم و لویولا	(۴۱)	نیه‌رِه و نکرومه	(۱۱)
آموزش و پرورش	(۴۲)	انقلاب در ارتباطات	(۱۲)
نوسازی ژاپن	(۴۳)	آدام اسمیت، مالتوس و مارکس	(۱۳)
کانال سوئز	(۴۴)	انسان و دین	(۱۴)
استالین	(۴۵)	ناسیونالیسم	(۱۵)
سلیمان و امپراتوری عثمانی	(۴۶)	انقلاب آمریکا	(۱۶)
انسان و زبان	(۴۷)	روشنگری	(۱۷)
کانوسا: حاکمیت کلیسا	(۴۸)	انقلاب کشاورزی	(۱۸)
خاور نزدیک باستانی	(۴۹)	انقلاب صنعتی	(۱۹)
راج بریتانیایی و ناسیونالیسم هندی	(۵۰)	بمب اتم	(۲۰)
مدیترانه	(۵۱)	محمد(ص) و امپراتوری عرب	(۲۱)
کنستانتین	(۵۲)	چنگیزخان و امپراتوری مغول	(۲۲)
جمعیت	(۵۳)	رایش هیتلر	(۲۳)
آمریکای باستان	(۵۴)	رشد دولت	(۲۴)
ثروت ژاپن	(۵۵)	کریستف کلمب	(۲۵)
اسکندر	(۵۶)	دوجنگ جهانی	(۲۶)
خانواده	(۵۷)	اکبرشاه و امپراتوری مغول	(۲۷)
صلح رمی	(۵۸)	جنگ سرد	(۲۸)
سلامت و ثروت	(۵۹)	بیسمارک	(۲۹)
امپریالیسم	(۶۰)	ناپلئون	(۳۰)
(۶۱) مادام کوری و اینشتین			

# زمنیات ماریار

بها ۳۵ ریال

